

روایی در تحقیق کیفی^۱

دکتر ابوالحسن فقیهی^۲

محسن علیزاده^۳

چکیده

اغلب تحقیقات کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیری هستند که مبانی و اصول آنها با پارادایم اثبات‌گرایی و تحقیقات کمی متفاوت است. بنابراین محققان کیفی باید در بکارگیری مفاهیم و معیارهای تحقیق که ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی دارند هشیار بوده و از چشم‌انداز هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی پارادایم تفسیری به این مفاهیم و معیارها بنگرند. یکی از عمده‌ترین ابهامات و چالش‌هایی که محققان کیفی با آن مواجه‌اند موضوع روایی در تحقیقات کیفی است. محققان کیفی نسبت به این مفهوم موضع‌گیری‌های متفاوتی داشته‌اند و در این راستا برخی محققان با تعریف مناسب این مفهوم در بستر پارادایم تفسیری به ارائه نوع‌شناسی‌هایی از آن پرداخته و استراتژی‌هایی را برای ارتقاء آن ارائه کرده‌اند.

واژگان کلیدی

تحقیق کیفی، معیار روایی، پارادایم تفسیری

۱. تاریخ دریافت ۸۴/۳/۱۲ تاریخ پذیرش ۸۴/۴/۵

۲. استاد دانشگاه علامه طباطبایی

۳. دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

از آنجا که معیار روایی ریشه در تحقیقات کمی و مبانی فکری آن دارد، این امر موجب شده که اندیشمندان تحقیق کیفی موضع‌گیری‌های متفاوتی نسبت به این معیار داشته باشند، از سوی دیگر منتقدان تحقیقات کیفی همواره تحقیقات کیفی را از جنبه روایی آن مورد نقد قرار داده‌اند. بنابراین بحث پیرامون معیار روایی تحقیقات کیفی مستلزم درک نگرشهای فلسفی و تئوریک آنست و بر مبنای این نگرشها، می‌توان معیارروایی را تعریف مجدد نمود.

پارادایم‌های تحقیق علمی

در دهه ۱۹۷۰ کوهن^۱ مفهوم پارادایم را برای تبیین پیشرفت‌های علمی در جهان ارائه نمود و اظهار داشت پارادایم‌ها روش تفسیر جهان و مبانی فلسفی، تئوریک و متدولوژیکی انجام تحقیق را ارائه می‌دهند (چالمرز، ۱۳۸۲: صص ۱۲۹-۱۳۳).

دو پارادایم عمده معرفت‌شناسی^۲ علوم اجتماعی، اثبات‌گرایی^۳ و تفسیرگرایی^۴ می‌باشند (نیومن^۵، ۱۹۷۷، ص ۶۲). کانون پارادایم اثبات‌گرایی، شناخت مبتنی بر قیاس و مشاهده پدیده بعنوان یک واقعیت عینی مجزا است. اصول پارادایم اثبات‌گرایی عبارتند از:

(۱) برای کسب دانش در مورد رویدادهای طبیعی و اجتماعی یک روش واحد وجود دارد، از اینرو دانشمندان علوم اجتماعی باید از مدل تحقیق علمی علوم طبیعی پیشرفته استفاده کنند.

(۲) آن بخشی از دانش که بطور محض مفهوم‌سازی نمی‌شود بر اساس تجربه حسی استوار بوده و همه گفته‌ها در مورد چنین تجاربی باید بر مشاهده مستقیم مبتنی باشد و لذا تابع توافق مشاهده‌گران رفتار بازیگران اجتماعی می‌باشد.

(۳) بین واقعیت و ارزش یعنی آنچه هست و آنچه باید باشد جدایی قطعی وجود

1. Kuhn
2. Epistemology
3. positivism
4. Interpretivism
5. Neuman

دارد و نقش دانشمند گردآوری واقعیت است نه تأمل در باب ارزشها. دانشمندان نه علاقه و نه احساس مسئولیتی نسبت به کاربرد دانش دارد، بلکه او صرفاً تلاش می‌کند تا دانش خلق شود و دیگران از آن استفاده کنند.

(۴) اهداف تحقیق علمی عبارتند از: تبیین، پیش بینی و کنترل.

(۵) رابطه بین تئوری و عمل رابطه‌ای بعید و دور است (دنهارت، ۱۳۸۰،

صص ۲۶۰-۲۵۹).

سلطه پارادایم اثبات‌گرایی بر تحقیقات علوم اجتماعی بویژه در اواسط قرن بیستم و عدم کفایت آن در توضیح رفتار اجتماعی موجب شد تا امروزه بر این پارادایم انتقادات عمده‌ای همچون در نظر نگرفتن بسترهای فرهنگی و تاریخی، نقش ارزشها و نیت درونی افراد و عدم توجه به مباحث زیباشناختی وارد شود. در جهت رفع محدودیت‌های اثبات‌گرایی حرکت‌های مختلفی صورت گرفته که از مهمترین آنها تئوری تفسیری اجتماعی می‌باشد. پارادایم تفسیرگرایی ریشه در کار فلسفی ادوموند هوسرل^۱ دارد. هوسرل مبنای فلسفی برای بررسی علمی جستجو می‌کرد که بتواند پیش فرضها و پایه‌های استدلالی که اثبات‌گرایی بر آن بنا شده بود را فرو ریزد و مستقیماً به طرف درکی از معنی عمل انسان حرکت کند. این رویکرد در پی آن است تا تعاریف یا توصیف‌هایی از عمل انسانها را که بر اساس مشاهده محققان از رفتار آنان ارائه شده است، مورد تردید قرار دهد و در عوض معنی واقعی چنین اعمالی را از منظر و دیدگاه خود مشارکت‌کنندگان درک کند. در این دیدگاه انسانها بعنوان موجوداتی هوشیار تصور می‌شوند که با قصد قبلی عملی را انجام می‌دهند و معنای خاصی به اعمالشان می‌دهند. توانایی انسان برای دادن معانی مختلف به عمل خود باعث می‌شود واقعیتی که بوسیله دانشمند اجتماعی بررسی می‌شود کاملاً متفاوت با واقعیت مورد بررسی دانشمند طبیعی باشد و بنابراین متدولوژی دانشمند علوم طبیعی نمی‌تواند بوسیله دانشمند اجتماعی تقلید گردد (دنهارت، ۱۳۸۰، صص ۲۶۷-۲۶۶).

پارادایم تفسیرگرایی (و اغلب رویکردهای منتقد به پارادایم اثبات‌گرایی) از روشهای کیفی در تحقیقات علوم اجتماعی بهره می‌گیرد. بنابراین هدف تحقیق کیفی، درک جهان اجتماعی از منظر پاسخگویان (مشارکت‌کنندگان) توسط توصیفات دقیق و

کامل از اقدامات شناختی و سمبلیک آنها و شناخت معنی مرتبط با رفتار آنها می‌باشد. این پارادایم، قوانین جهانشمول مجزا از زمینه‌های اجتماعی و تاریخی را رد می‌کند و جدایی محقق و پاسخگو را کاهش می‌دهد (مایرز^۱، ۲۰۰۰، ص ۲).

در عرصه تحقیقات سازمانی نیز در نتیجه نادیده گرفتن تفاوت‌های میان علوم طبیعی و اجتماعی، محققان سنتی مدیریت عموماً پدیده سازمانی و انسانی را بر مبنای اصول علوم طبیعی و پارادایم اثبات‌گرایی مفهوم‌سازی می‌کردند که منجر به پدیدار شدن مشکلات روش‌شناسی می‌گردید. دلیل عمده نادیده گرفتن این مشکلات روش‌شناسی، تمایل برای ایجاد یک دانش سازمانی جهانشمول بود، اما در نهایت گرایش مطالعات مدیریت و سازمان بسوی تحقیقات کیفی دلالت بر ایجاد نارضایتی‌های بسیار در مورد مشکلات پارادایم اثبات‌گرایی دارد (پراساد^۲، ۲۰۰۲، ص ۵).

تحقیقات کیفی شامل نگرشهای فلسفی، تکنیکها، ابزارهای تحقیق و سبک‌های متنوعی می‌باشند، بگونه‌ای که تئوری انتقادی^۳، تحلیل گفتمان^۴، قوم‌شناسی^۵، هرمنوتیک^۶، تحلیل روایتی^۷، تئوری زمینه‌ای^۸، مشاهده مشارکتی^۹، تحقیق موردی^{۱۰} و موارد بسیار دیگری، همه تحت عنوان تحقیق کیفی شناخته شده‌اند. این رشد سریع و گسترده تحقیقات کیفی در سالهای اخیر با ایجاد برخی ابهامات معرفت‌شناختی و روش‌شناسی همراه بوده است. یکی از عمده‌ترین ابهامات و چالش‌هایی که محققان کیفی با آن روبرو می‌باشند مفاهیم کیفیت در تحقیقات کیفی است که از جمله مهمترین آنها مفاهیم روایی و اعتبار است^{۱۱}. چون این دو مفهوم ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی و تحقیقات کمی دارند، لذا بهره‌گیری از این مفاهیم در پارادایم تفسیری

1. Myers

2. Prasad

3. Critical theory

4. Discourse analysis

5. Ethnography

6. Hermeneutics

7. Narrative analysis

8. Grounded theory

9. Participant observation

10. Case study

11. Kirk & Miller, 1986, Erikson, 1989, Kvale, 1989, Wolcott, 1990, Maxwell, 1992, Norris, 1997, Johnson, 1997, Myers, 2000, Healy & Perry, 2000, Winter, 2000, Stenbacka, 2001, Golafshani, 2003

و تحقیقات کیفی نیازمند تعریف مجدد آنها بر مبنای معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی این پارادایم می‌باشد. در ادامه این مقاله به بررسی مفهوم روایی در تحقیقات کیفی می‌پردازیم.

روایی

ریشه‌های معیار روایی را می‌توان در پارادایم اثبات‌گرایی یافت. در اصطلاح شناسی اثبات‌گرایی، روایی در کنار سایر مفاهیم تجربی همچون قوانین جهانشمول، شواهد، عینیت^۱، قیاس، واقعیت، منطق و داده‌های آماری می‌باشد. در تحقیق کمی، روایی را می‌توان اینگونه تعریف نمود: «یک تحقیق تا چه حد دقیقاً آنچه را که قصد ارزیابی‌اش را داشته، سنجیده است» (گلاف شانی^۲، ۲۰۰۳، ص ۵۹۹).

تعریف فوق در تحقیقات کیفی جایگاه چندانی ندارد، چراکه در تحقیق کیفی، هدف ارزیابی چیزی نیست (استین باکا^۳، ۲۰۰۱، ص ۵۵۱)، بلکه درک جهان اجتماعی از منظر پاسخگویان (مشارکت‌کنندگان) بوسیله توصیف تفصیلی و دقیق از اقدامات شناختی و نمادین آنها و شناخت معنی مرتبط با رفتار قابل مشاهده آنها می‌باشد (مایرز، ۲۰۰۰، ص ۲).

محققان کیفی در رابطه با بحث روایی موضع‌گیریهای مختلفی داشته‌اند، برخی معتقدند که روایی بعنوان یک معیار سنتی کمی هیچ ارتباطی با تحقیق کیفی ندارد و چون فرضیات شناخت‌شناسی و هستی‌شناسی پارادایم‌های کمی و کیفی متفاوتند لذا باید مفهوم روایی نیز در تحقیقات کیفی کنار گذاشته شود. البته بیشتر محققان کیفی نگرش متعادل‌تری نسبت به بحث روایی دارند و معتقدند که برخی مطالعات کیفی بهتر از برخی دیگر هستند و اغلب واژه روایی را برای اشاره به این تفاوت ذکر می‌نمایند. این محققان کیفی هنگامی که از روایی تحقیق صحبت می‌کنند معمولاً به واژه‌هایی همچون باورپذیری^۴، قابل دفاع^۵ و امانت‌دار^۶ بودن اشاره می‌کنند. بنابراین تفکر در

1. Objectivity
2. Golafshani
3. Stenbacka
4. plausible
5. Defensible
6. Trustworthiness

زمینه مفهوم روایی در تحقیق کیفی و ارائه استراتژی‌هایی برای حداکثر نمودن روایی در آن، قابل ملاحظه و مهم می‌باشد (جانسون^۱، ۱۹۷۷، ص ۲۸۲).

بر خلاف تحقیقات کمی، در میان تحقیقات کیفی هیچ آزمون استاندارد برای روایی وجود ندارد و غالباً ماهیت تحقیق توسط خود محقق تعیین و جرح و تعدیل می‌شود و حتی ممکن است هیچ فرضیه اولیه‌ای وجود نداشته باشد. بنابراین ماهیت مفهوم روایی در تحقیقات کیفی به بازنمایی مشارکت‌کنندگان، اهداف تحقیق و مناسب بودن فرآیندها ارتباط دارد (ویتر^۲، ۲۰۰۰، ص ۷).

یکی از محققان^۳ در تلاش برای پاسخ به چگونگی بررسی روایی در تحقیقات کیفی، میان روایی داده و تعمیم‌پذیری نتایج تمایز قائل شده است. روایی داده به هدف مطالعه بستگی دارد، این بخش از بحث روایی برای تحقیق کیفی قابل بررسی و استفاده است، بگونه‌ای که در تحقیق کیفی تعامل میان محقق و پاسخگو منجر به شرایطی می‌شود که امکان جمع‌آوری داده‌های خوب را فراهم ساخته و هدف تحقیق را تأمین می‌نماید. در تحقیق کیفی مفهوم یک گزاره توسط محقق و پاسخگو از زوایای مختلفی کنترل و بحث می‌شود در حالیکه در تحقیق کمی کیفیت اطلاعات قربانی استانداردسازی می‌گردد. در این راستا استن باکا^۴ معتقد است که در تحقیق کیفی پاسخ به پرسش چگونگی کسب روایی مناسب بسیار آسان است، بعبارتی در تحقیق کیفی زمانی درک پدیده دارای روایی است که پاسخگو بخشی از بستر مسئله بوده و به وی فرصتی برای صحبت آزاد مطابق ساختار فکری‌اش داده شود (استن باکا، ۲۰۰۱، ص ۵۵۲).

برخی محققان (بویژه محققان کیفی) بیان داشته‌اند که روایی صرفاً آزمونی واحد برای فرآیند تحقیق بعنوان یک کل نیست، بلکه می‌توان معیار روایی را با توجه به عقاید محقق بصورت متفاوت برای هر یک از مراحل فرآیند، در صورت نیاز بکار برد (ویتر^۵، ۲۰۰۰، ص ۴). با این نگرش، ماکسول^۵ پنج نوع از روایی را در ارتباط با

1. Johnson
2. winter
3. Sykes
4. Stenbacka
5. Maxwell

مراحل مختلف تحقیق تعریف کرده است. در ادامه این مقاله، نوع شناسی انجام شده توسط ماکسول و برخی استراتژیهای ارتقاء روایی تحقیقات کیفی ارائه می‌گردد. جدول شماره (۱) فهرستی از استراتژیهای ارتقاء روایی در تحقیقات کیفی را نشان می‌دهد.

توصیف	استراتژی
جمع آوری اطلاعات از زمینه توسط محققان تا حد امکان در یک دوره زمانی گسترده	مطالعه میدانی گسترده
بهره گیری از عبارات توصیفی مانند «نقل قول» (گزارش پدیده طبق روایت اطلاع‌رسان)	حداقل مداخله در توصیف ^۱
بهره گیری از منابع مختلف داده برای درک بهتر یک پدیده	تکثر گرایی داده
بهره گیری از چندین روش تحقیق برای مطالعه یک پدیده	تکثر گرایی روش
بهره گیری از چندین مشاهده گر (محقق) در جمع آوری و تفسیر داده‌ها	تکثر مشاهده گر
بهره‌گیری از چندین تنوری و نگرش برای تفسیر و تبیین داده‌ها	تکثر گرایی تنوری
ارائه تفسیرها و نتایج به مشارکت کنندگان توسط محقق و تعیین و اصلاح موارد بد درک شده	بازخورد مشارکت‌کننده
بررسی تبیین‌ها و نتایج محقق توسط دیگر محققان و همکاران	دریافت نظرات همکاران
جستجو و بررسی موارد ناسازگار با تبیین‌های محقق	موارد خلاف انتظار
خودآگاهی و خود انتقادی محقق نسبت به سوگیری‌های بالقوه‌اش و چگونگی تأثیر آنها بر فرایند و نتایج تحقیق	بازتاب پذیری
پیش بینی یک سری از نتایج بر مبنای الگوی تبیین شده و سپس تعیین درجه انطباق نتایج واقعی با الگوی پیش بینی شده	سازگاری با الگوی تنوریک

جدول ۱- استراتژیهای ارتقاء روایی تحقیق کیفی (Johnson, 1997)

روایی توصیفی^۲

روایی توصیفی به صحت داده‌ای موضوع گزارش شده توسط محقق اشاره می‌نماید (ماکسول^۳، ۱۹۹۲، ص ۲۸۲) پرسش‌های کلیدی در روایی توصیفی عبارتند از: آیا رویدادی که توسط محقق گزارش شده است، واقعاً در گروه مورد مطالعه اتفاق افتاده است؟ و آیا محققان دقیقاً آنچه را که دیده و شنیده‌اند، گزارش کرده‌اند؟ بعبارت دیگر روایی توصیفی به صحت در گزارش اطلاعات توصیفی (مانند توصیف حوادث، اشیاء، رفتارها، افراد، مجموعه‌ها، زمان‌ها و مکان‌ها) اشاره دارد. این نوع از روایی

1. Low inference descriptors
2. Descriptive Validity
3. Maxwell

بدین جهت مهم می‌باشد که یکی از اهداف عمده در همه تحقیقات کیفی، توصیف است.

استراتژی مؤثر برای کسب روایی توصیفی، تکثر مشاهده‌گران می‌باشد. در روایی توصیفی، تکثر مشاهده‌گران به معنی استفاده از چندین مشاهده‌گر برای ثبت و توصیف رفتار مشارکت‌کننده‌ها و زمینه‌ای که در آن قرار دارند می‌باشد. بهره‌گیری از چندین مشاهده‌گر امکان کنترل چندگانه^۱ مشاهدات برای اطمینان از توافق مشاهده‌گران در مورد آنچه اتفاق افتاده را بوجود می‌آورد. زمانی که مشاهدات توسط چندین مشاهده‌گر تأیید شود، امکان کمتری وجود دارد که ناظران خارجی تحقیق، صحت مشاهدات گزارش شده را مورد شک قرار دهند (جانسون، ۱۹۷۷، ص ۲۸۵).

روایی تفسیری^۲

محققان کیفی صرفاً به ارائه یک توصیف بهتر از اشیاء فیزیکی، حوادث و رفتارها در مجموعه مورد تحقیق اکتفا نمی‌کنند بلکه به معانی که افراد مورد مطالعه به این اشیاء، حوادث و رفتارها می‌دهند نیز توجه می‌کنند (ماکسول، ۱۹۹۲، ص ۲۸۸). در حالیکه روایی توصیفی به صحت در گزارش کردن داده‌ها اشاره می‌نماید، روایی تفسیری نیاز به ایجاد پنجره‌ای به درون اذهان افراد مورد مطالعه دارد. روایی تفسیری به بازنمایی دقیق مفهومی که مشارکت‌کننده به موضوع مورد مطالعه داده است اشاره می‌کند. بطور مشخص تر، روایی تفسیری به درجه‌ای که نگرش، افکار، احساسات، نیات و تجربیات مشارکت‌کننده بطور دقیق توسط محقق درک و گزارش می‌شود ارتباط دارد.

یک بخش مهم تحقیق کیفی درک جهان درونی مشارکت‌کنندگان است و روایی تفسیری بیانگر درجه دقت در ارائه این جهان درونی است. دقت روایی تفسیری نیازمند این است که محقق اذهان و تفکرات مشارکت‌کنندگان را درک نماید و از نگاه آنها به موضوع بنگرد و آنچه را که آنها احساس می‌کنند، احساس کند و در نهایت بیانی معتبر از این دیدگاهها ارائه کند.

مهمترین استراتژی برای کسب روایی تفسیری، بازخور مشارکت کننده^۱ است. در این استراتژی، محقق تفسیرهای خود را به مشارکت کنندگان ارائه نموده و زمینه های بد درک شده را مشخص و اصلاح می کند، عبارتی آیا افراد مورد مطالعه با آنچه محقق در مورد آنها گفته است، موافقت؟ البته این استراتژی بی نقص نیست و در مواردی امکان دارد مشارکت کنندگان سعی نمایند که چهره خوبی را از خود ارائه کنند. استراتژی دیگر، استفاده از برخی توصیف کننده ها هنگام نوشتن گزارش تحقیق است، بطوریکه خواننده بتواند زبان، لهجه و معانی خاص مشارکت کنندگان را حس کند. بعنوان مثال، یک نقل قول مستقیم که در آن دقیقاً واژه های بیان شده توسط مشارکت کننده در داخل گیومه ذکر گردیده، می تواند توصیف کننده مناسبی باشد (جانسون، ۱۹۹۷، ص ۲۸۵)

روایی تئوریکی^۲

سومین نوع روایی در تحقیق کیفی، روایی تئوریک است و به میزان سازگاری بین تبیین تئوریکی تحقیق کیفی با داده ها ارتباط دارد. تئوری به مباحث چگونگی و چرایی عمل یک پدیده اشاره می نماید و معمولاً انتزاعی تر از توصیف و تفسیر بوده و تبیینی از پدیده ارائه می کند. هر تئوری دو جزء دارد: مفاهیم یا دسته بندی هایی که تئوری بکار می گیرد، و روابطی که تصور می شود میان این مفاهیم وجود دارد. در ارتباط با این دو جنبه تئوری، روایی تئوری نیز دارای دو جنبه می باشد: روایی مفاهیم بکار رفته برای پدیده و روایی روابط فرض شده میان مفاهیم (ماکسول، ۱۹۹۲، ص ۲۹۱).

در تحقیق کیفی شکل گیری مفهوم یک بخش اصلی از تحلیل داده ها است و در طی جمع آوری داده ها شروع می شود، بنابراین مفهوم سازی روشی است که محقق کیفی، داده ها را سازماندهی و درک می کند. یکی از تفاوت های عمده میان تحلیل های کمی و کیفی در این است که محققان کمی، تحلیل داده ها را تا موقعی که همه داده ها جمع آوری و بصورت اعداد تبدیل نشوند شروع نمی کنند، آنها سپس بمنظور مشاهده

الگوها و روابط، این اعداد را دستکاری می‌نمایند. محققان کیفی نیز بدنبال یافتن الگوها و روابط می‌باشند اما آنها تحلیل را در حالیکه هنوز در حال جمع آوری داده‌ها هستند شروع می‌کنند، بگونه‌ای که نتایج تحلیل‌های اولیه مراحل بعدی جمع آوری داده را هدایت می‌کند. به عبارتی دیگر تئوری و اطلاعات به موازات هم حرکت می‌کنند و مکمل یکدیگرند (فقیهی، ۱۳۷۶ صص ۴۶-۳۹).

یک استراتژی برای ارتقاء روایی تئوریک مطالعه میدانی گسترده^۱ است. در این استراتژی محقق باید زمان کافی را برای مطالعه مشارکت کنندگان تحقیق و زمینه مربوط صرف نماید بگونه‌ای که از پایداری و صحیح بودن الگوهای رابطه‌ای ارائه شده مطمئن گردد و چرایی این روابط را درک کند.

استراتژی دیگر برای ارتقاء روایی تئوریک، تکثرگرایی تئوریک است. در این استراتژی محقق این امر را بررسی می‌نماید که پدیده مورد مطالعه چگونه توسط تئوریهای مختلف تشریح و تبیین شده است. تئوریهای مختلف به محقق بینش‌هایی را می‌دهد که وی را برای ایجاد یک تبیین مستدل‌تر کمک می‌کند.

در حین اینکه محقق تبیین تئوریک‌اش را توسعه می‌دهد، بایستی برخی پیش بینی‌ها را بر مبنای آن انجام داده و دقت و صحت پیش‌بینی‌ها را بررسی نماید، در این راستا محقق می‌تواند از استراتژی سازگاری با الگوی تئوریک^۲ بهره بگیرد. همچنین محقق می‌تواند از استراتژی موارد خلاف انتظار^۳ در حین توسعه تبیین تئوریک استفاده کند، بگونه‌ای که محقق در جستجوی موارد یا نمونه‌هایی می‌باشد که متناسب با تبیین تئوریک‌اش نیست و از این طریق، داده‌هایی که از تبیین تئوریک پشتیبانی نمی‌کنند را یافته و بررسی می‌نماید و در صورت لزوم تبیین تئوریک را اصلاح می‌کند. استراتژی دیگر برای ارتقاء روایی تئوریک دریافت نظرات همکاران^۴ می‌باشد که در آن محقق زمانی را صرف بحث بر روی تبیین‌هایش با همکاران کرده و با آنها بدنبال شناسایی مشکلات می‌پردازد. در پایان، تبیین‌های نهایی محقق بایستی بطور دقیق، اکثریت افراد تحت مطالعه را در برگیرد (جانسون، ۱۹۷۷، صص ۲۸۷-۲۸۶).

1. Extended fieldwork
2. Pattern matching
3. Negative case sampling
4. Peer review

تعمیم پذیری^۱

تعمیم پذیری اشاره به حدی دارد که می توان موضوع یک موقعیت یا جمعیت خاص را به دیگر افراد، زمانها یا مجموعه ها گسترش داد. تعمیم پذیری در تحقیقات کیفی نسبت به تحقیقات کمی نقش متفاوتی را ایفا می کند، زیرا مطالعات کیفی معمولاً برای تعمیم سیستماتیک به جامعه های وسیعتر طراحی نمی شوند. در تحقیق کیفی تعمیم پذیری دارای دو جنبه می باشد: تعمیم میان جامعه، گروه یا سازمان مورد مطالعه به افراد، رویدادها و مجموعه هایی که مستقیماً مشاهده و یا مصاحبه نشده اند، و تعمیم به سایر جوامع، گروهها یا سازمانها.

ماکسول اولین جنبه را تعمیم پذیری درونی و جنبه دوم را تعمیم پذیری بیرونی می نامد. در تحقیقات کیفی، اهمیت تعمیم پذیری درونی بیش از تعمیم پذیری بیرونی است زیرا محققان کیفی بندرت ادعای صریحی در مورد تعمیم پذیری بیرونی یافته هایشان می نمایند. اهمیت تعمیم پذیری درونی برای تحقیق کیفی را می توان با مثالی از مصاحبه های تفسیری نشان داد. معمولاً محقق در حضور فرد، مصاحبه مختصری انجام می دهد و با توجه به آن زمان مختصر، استنباطهایی از کل زندگی پاسخگو (شامل اقدامات و نگرشها) ارائه می کند. شاید این استنباطها دارای روایی توصیفی، تفسیری و تئوریکی برای اقدامات و نگرشهای فرد در مصاحبه باشد، اما ممکن است دیگر جنبه های نگرش فرد که در مصاحبه بیان نشده را درک نکند و به آسانی منجر به تعمیم های اشتباه در مورد اقدامات فرد در خارج از موقعیت مصاحبه گردد، لذا تعمیم پذیری درونی بحثی مهم در مصاحبه های تفسیری است (ماکسول، ۱۹۹۲، صص ۲۹۴-۲۹۳).

دو استراتژی مفید برای تقویت تعمیم پذیری درونی، کثرت گرایی روش و کثرت گرایی ابزار (در گردآوری اطلاعات) است. در کثرت گرایی روش، پژوهشگر از چارچوب یک طرح تحقیق خاص خارج شده و پژوهشهای دیگری را با استفاده از طرح تحقیق تازه ای به قصد تکمیل تحقیقات اولیه خود پی می گیرد. کثرت گرایی در استفاده از طرحهای گوناگون می تواند دو هدف را دنبال کند. اول آنکه، از طریق

مقایسه اطلاعات گردآوری شده از راه روشهای گوناگون جنبه‌ای خاص از مسئله تحقیق را مطالعه کرده و فرضیه‌ها را مستحکم و غنی‌تر می‌نماید. هدف دوم از بکارگیری طرحهای پژوهشی مکمل یکدیگر، مطالعه جنبه‌های گوناگون یک پدیده اجتماعی است که احتمالاً به کشف فرضیه‌ها و نتایج تازه‌ای می‌انجامد.

در کثرت‌گرایی ابزار، پژوهشگر از چارچوب طرح پژوهشی خود خارج نمی‌شود ولی در داخل آن از ابزارها و فنون متنوعی برای گردآوری داده‌ها استفاده می‌کند (فقیهی، بامداد صوفی، ۱۳۷۸، صص ۶۴ - ۶۱).

برخی محققان مانند استاک^۱ به بحث تعمیم‌پذیری بیرونی در تحقیق کیفی پرداخته‌اند و معتقدند که می‌توان تا حدی که سایر افراد، مجموعه‌ها و زمانها مشابه افراد، مجموعه‌ها و زمانهای مطالعه اصلی باشند، نتایج را تعمیم داد. استاک برای اشاره به این فرآیند تعمیم‌پذیری بر مبنای شباهت، از واژه تعمیم‌پذیری طبیعت‌گرایانه^۲ استفاده می‌کند. لذا برای کمک به خوانندگان یک گزارش تحقیق کیفی در مورد قابلیت تعمیم، محقق کیفی باید انواع اطلاعات مانند تعداد و نوع افراد در مطالعه، چگونگی انتخاب آنها برای مطالعه، اطلاعات زمینه‌ای، ماهیت رابطه محقق با مشارکت‌کنندگان، اطلاعات در مورد هر پاسخگو و متدهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های تحقیق را ارائه نماید. این اطلاعات معمولاً در پایان بخش روش‌شناسی گزارش نهایی تحقیق ارائه می‌شود (جانسون، ۱۹۹۷، ص ۲۹۰).

روایی ارزیابی^۳

تمایز این جنبه از روایی با انواع ذکر شده در این است که شامل مباحثی در مورد کاربرد چارچوبهای اخلاقی یا هنجاری و قضاوت‌هایی در مورد موضوع می‌باشد (نورس^۴، ۱۹۹۷، ص ۱۷۵). روایی ارزیابی نیز مانند تعمیم‌پذیری بیرونی، چندان مورد تأکید محققان کیفی نیست چرا که اغلب محققان کیفی ادعایی در زمینه ارزیابی موضوع‌های مورد مطالعه‌شان ندارند (ماکسول، ۱۹۹۲، ص ۲۹۵).

1. Stack
2. Naturalistic generalization
3. Evaluative Validity
4. Norris

سوگیری^۱ در تحقیق کیفی

یکی از روش‌های عملی برای اندیشیدن در مورد بحث روایی، توجه به خطاها و سوگیری‌ها است. تحقیق، خواه کیفی یا کمی، یک فعالیت انسانی است و بنابراین ممکن است مانند سایر فعالیت‌های انسان دارای اشتباه یا خطا باشد. برخی از منتقدان تحقیق کیفی معتقدند که سوگیری در این تحقیقات بیشتر است، زیرا تحقیقات کیفی نسبت به تحقیقات کمی ساختارمندی کمتری دارند و محققان کیفی آنچه را که می‌خواهند می‌یابند و سپس آنها را در نتایج‌شان شرح می‌دهند.

برخی از منابع بالقوه سوگیری در تحقیق عبارتند از:

- تأثیر محققان بر پاسخگویان و ارائه‌کنندگان اطلاعات؛
- سوگیری‌های انتخاب؛ شامل انتخاب زمان‌ها، مکان‌ها، حوادث و افراد؛
- قابلیت دسترسی به منابع یا انواع مختلف داده‌ها برای محققان مختلف؛
- مشابهت و میل طبیعی محققان به انواع خاصی از افراد، طرح‌ها، داده‌ها، تئوریها و مفاهیم؛
- توانایی محققان؛ شامل دانش و مهارت هایشان؛
- ترجیحات و تعهدات ارزشی محققان؛
- قابلیت‌های شخصی محققان؛ برای مثال: ظرفیت‌شان برای تمرکز، بردباری و تحمل ابهام.

در حالیکه شناسایی منابع سوگیری آسان است اما امکان ایجاد قوانین و رویه‌های مشخص روش‌شناختی برای رفع سیستماتیک سوگیری، بسیار کم است، بنابراین ما نیاز داریم تا به فرآیندهای شخصی و اجتماعی که می‌توانند سوگیری‌های محققان را کاهش داده و کیفیت تحقیق را حفظ کنند، توجه نماییم (نوریس، ۱۹۹۷، ص ۱۷۴).

یک استراتژی کلیدی برای درک سوگیری‌های محقق، بازتاب‌پذیری^۲ است. بگونه‌ای که محقق فعالانه سوگیری‌ها و تمایلات خویش را مورد بررسی قرار می‌دهد و از آنها آگاه می‌گردد و در جهت نظارت و کنترل آنها گام بر می‌دارد. اغلب محققان کیفی در طرح تحقیق‌شان بخش مجزایی تحت عنوان «سوگیری‌های محقق» در نظر

1. bias

2. Reflexivity

می‌گیرند و در این بخش، سوابق و پیش زمینه‌های شخصی‌شان و اینکه چگونه ممکن است بر تحقیق اثر بگذارند و چه استراتژی‌هایی برای مورد ملاحظه قرار دادن مشکلات ناشی از آنها استفاده خواهند کرد، را مطرح می‌کنند. علاوه بر این محققان می‌توانند با بهره‌گیری از بازنگری داده‌ها و نتایج توسط مشارکت‌کنندگان و همکاران در جهت شناسایی سوگیری‌ها و رفع آنها اقدام نمایند (جانسون، ۱۹۹۷، ص ۲۸۴).

نتیجه‌گیری

با وجود اینکه معیار روایی ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی و کمی دارد محققان کیفی می‌توانند با تعریف مجدد این معیار بر مبنای هستی‌شناسی و روش‌شناسی تفسیری از آن در جهت ارتقاء باورپذیری و قابل دفاع بودن تحقیق خود بهره‌بگیرند. این مقاله همچنین این نکته را به محققان کیفی تذکر می‌دهد که در بکارگیری مفاهیم و معیارهایی که ریشه در پارادایم اثبات‌گرایی دارند هشیار باشند و از چشم انداز هستی‌شناسی و روش‌شناسی پارادایم تفسیری به این معیارها و امکان بهره‌گیری از آنها بنگرند.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. چالمرز، آن اف.، چيستی علم، ترجمه: سعید زیبا کلام، چاپ چهارم، انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
۲. دنهارت، رابرت بی.، تئوریهای سازمان دولتی، ترجمه: سید مهدی الوانی، حسن دانایی فرد، چاپ اول، انتشارات صفار، ۱۳۸۰
۳. فقیهی، ابوالحسن، ۱۳۷۶، تئوری و شبه تئوری: چه نوشته ای را می توان تئوری خواند؟، اقتصاد و مدیریت، شماره ۳۴.
۴. فقیهی، ابوالحسن، بامداد صوفی، کامیار، کثرت گرایی روش تحقیق در پژوهش های سازمانی، فصلنامه مدیریت، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۸

ب) منابع لاتین

- 5- Golafshani, nahid, 2003, *Understanding reliability and validity in qualitative research*, The Qualitative Report, vol.8, No.4.
- 6- Healy, marilyn, perry, chad, 2000, *Comprehensive criteria to judge validity and reliability of qualitative research within the realism paradigm*, Qualitative Market Research: An International Journal, vol.3, No.3.
- 7- Johnson, burke, 1977, *Examining the validity structure of qualitative research*, Education, vol.118, No.2.
- 8- Maxwell, joseph, 1992, *Understanding and validity in qualitative research*, Harvard Education Review, vol.62, No.3.
- 9- Myers, Margaret, 2000, *Qualitative research and the generalizability question: standing firm with proteus*, The Qualitative Report, vol.4, No.3&4.
- 10- Neuman, Lawrence, 1977, *social research methods: qualitative and quantitative approaches* 3d. ed. Boston, Allyn and Bacon.
- 11- Norris, Nigel, 1997, *Error, bias and validity in qualitative research*, Education Action Research, vol.5, No.1.
- 12- Prasad, anshuman, Prasad, pushkala, 2002, *The coming of age of interpretive organizational research*, Organizational Research Methods, vol.5, No.1.
- 13- Stenbacka, caroline, 2001, *Qualitative research require concepts of its own*, Management Decision, vol.39, No.7.
- 14- Winter, glyn, 2000, *A comparative discussion of the notion of validity in qualitative and quantitative research*, The Qualitative Report, vol.4, No.3&4.